

ریشه‌یابی هنجارگریزی‌های رسم‌الخطی فارسی و عربی

نوع مقاله: پژوهشی

اعظم دهقانی نیسیانی*؛ خدیجه شاه محمدی، سید حسین مرعشی

۱. دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه الزهراء

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید بهشتی

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه شیراز

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۴

چکیده

رسم‌الخط هر زبان بخشی از هویت و تاریخ فرهنگی آن است و بیانگر تغییراتی است که آن زبان در گذر زمان بدان دچار شده است. قاعده در رسم‌الخط این است که واژه همان‌گونه که تلفظ می‌شود نوشته شود، البته گاهی هنجارگریزی‌هایی در رسم‌الخط نیز به وجود می‌آید. گروهی از زبان‌شناسان، هنجارگریزی‌های رسم‌الخطی زبان عربی و فارسی را بی‌مفهوم و اتفاقی دانسته‌اند و آن را نتیجه بی-نظام بودن قواعد خط می‌دانند. اما برخی دیگر بر این باورند که نظم‌گریزی‌های خط فارسی کاملاً تحت تأثیر خط عربی بوده است. وجود چنین دیدگاه‌هایی و کشف جنبه‌های تفاوت آن‌ها بر اهمیت پژوهش در این زمینه می‌افزاید. این مقاله با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی به مطالعه هنجارگریزی-های رسم‌الخطی مشترک میان فارسی و عربی و نیز هنجارگریزی‌های مخصوص فارسی پرداخته و با استفاده از تحلیل تطبیقی به این نتیجه رسیده است که علاوه بر زیبایی خط، دلایلی چون تأثیرپذیری از شیوه‌های کتابت قدیمی، اصل تمیز بین صورت‌های مشابه، حفظ ساختار ظاهری واژه و تأثیرات صوتی، در شکل‌گیری این هنجارگریزی‌ها مؤثر بوده است.

کلیدواژه‌ها: رسم‌الخط فارسی، رسم‌الخط عربی، تحلیل تطبیقی، هنجارگریزی‌های رسم‌الخطی

مشترک و مخصوص.

مقدمه

هر گروه از مردمان، برای استوار ساختن پایه‌های فرهنگ خویش، به دستمایه‌ای گران همچون خط نیاز دارند؛ تا به کمک آن، پرده از رازهای نهان فرهنگ خویش بردارند. معمولاً در نگارش فارسی و عربی قاعده این است که واژه همانگونه که تلفظ می‌شود نوشته شود، ولی گاهی هنجارگریزی‌هایی در رسم الخط شکل می‌گیرد، مثلاً در زبان فارسی رایج در ایران، حرف "واو" اگر پس از حرف "خ" قرار گیرد، گاهی خوانده نمی‌شود. برای مثال می‌توان به واژگانی چون: خوان، خواهر، خویش اشاره کرد. این "و" که آن را "واو معدوله" می‌گویند، در قدیم تلفظ خاصی داشته است که امروزه، در زبان فارسی رایج در ایران، دیگر متداول نیست. همین حالت در رسم الخط عربی نیز یافت می‌شود، مثلاً (هاذا) به صورت (هَذَا) یا (هاؤلاء) به صورت (هؤلاء) نوشته می‌شود. برخی از دانشمندان این نظم‌گریزی‌ها را بی پایه و مایه دشواری آموزش خط دانسته‌اند. مطالعه دقیق‌تر خط نشان می‌دهد پاره‌ای از عوامل زبانی و تاریخی باعث ایجاد این نظم‌گریزی‌ها است.

درباره پیشینه خط فارسی باید گفت در عهد هخامنشیان زبان فارسی باستان به خط‌های مختلف نوشته می‌شد که مهمترین آنها خط میخی، اکدی، و عیلامی و آرامی بوده است، در عصر اشکانیان، زبان فارسی میانه به خط آرامی نوشته می‌شد (ابوالقاسمی، ۱۳۷۳: ۱۵۴). این خط با تغییراتی به خط پهلوی تبدیل گشت و پس از مدتی با کمی اصلاحات آن را به خط اوستایی تغییر دادند که در نوشتن آموزه‌های زردشت از آن استفاده شد (مجاهد، ۱۳۷۰: ۵۵). در ابتدای ظهور اسلام زبان ایرانیان، فارسی میانه و خط آنان پهلوی بود و کتب علمی و سیاسی و ادبی به خط پهلوی و کتب دینی به خط اوستایی نوشته می‌شد. ایران در دوره اسلامی زیر نفوذ معنوی دین اسلام قرار گرفت و ایرانیان به تدریج هم‌زمان با پذیرش اسلام، خط آن دین، یعنی خط قرآن را نیز پذیرفتند. خط همواره از دین بیشتر از زبان تاثیرپذیرفته و ایرانیان که دین اسلام را پذیرفتند خط عربی را که نگارش با آن سهولت بیشتری داشت برگزیدند (برون، ۱۳۳۳: ۱۵). اما در مورد پیدایش خط عربی، کتیبه‌هایی به زبان سامی در شمال حجاز یافت شده که تحول خط آرامی به خط نبطی و سپس تغییر آن به خط عربی را نشان می‌دهد. بنابراین حجاز مهد شکل‌گیری خط عربی است (ضیف، ۱۹۹۶م: ۳۴).

انتخاب خط عربی از سوی ایرانیان، برای نگارش و کتابت، باعث شد تا رسم‌الخط فارسی اشتراکات فراوانی را با رسم‌الخط عربی پیدا کند. در این مقاله هنجارگزیزی‌های میان فارسی و عربی در دو بخش مورد مطالعه قرار گرفته است، اول هنجارگزیزی‌هایی که میان دو رسم‌الخط مشترک است و گاهی مستقل و گاهی تحت تأثیر خط عربی در فارسی شکل گرفته است و بخش دوم هنجارگزیزی‌هایی که مخصوص خط فارسی است و تحت تأثیر عربی به وجود آمده است.

با توضیحاتی که داده شد، در این پژوهش تلاش می‌شود پاسخی برای پرسش‌های زیر داده شود:

- ۱- هنجارگزیزی‌های مشترک میان رسم‌الخط فارسی و عربی کدام است؟
- ۲- باتوجه به تأثیرپذیری خط فارسی از عربی، هنجارگزیزی‌های مخصوص به رسم‌الخط فارسی چیست؟
- ۳- علت کاهش و افزایش حروف در رسم‌الخط فارسی و عربی با رویکرد تحلیل تطبیقی چیست؟

پیشینه پژوهش

در ارتباط با هنجارگزیزی در رسم‌الخط فارسی پژوهش‌هایی کم و بیش یافت می‌شود، از آن جمله: افتخاری (۱۳۸۴)، در مقاله خود به هنجارگزیزی‌های رسم‌الخط فارسی اشاره کرده است. وی با بررسی مواردی چون عدم انعکاس نوشتاری برخی مصوت‌ها و کاربرد چند حرف برای اشاره به یک صدا و نمایش چند آوا با یک حرف الفبا و عدم انعکاس آوایی برخی حروف و عدم انعکاس نوشتاری برخی آواها در مواضع خاص و غیره سعی دارد نگارش امروزی زبان فارسی را مورد آسیب‌شناسی قرار دهد. پورنوروز و حسینی (۱۳۹۷)، توصیفی از وضعیت امروز خط فارسی ارائه می‌دهند، و جایگاه خط فارسی و کارکرد این خط را در پدیده‌های امروزی مانند تلفن همراه و شبکه‌های اجتماعی می‌سنجند، و آرا و رویکردهای متفاوت نسبت به آینده خط فارسی را بررسی می‌کنند. به نظر محققان، شیوه نگارش فینگلیش، در فضای مجازی و موبایل، نه تنها به ساختار زبان فارسی و هویت فارسی‌زبان صدمه نمی‌زند؛ بلکه این امکان را ایجاد می‌کند که با رهایی از چهارچوب‌های قدیمی زبان فارسی فراتر رفته و به تجربه‌ای نو برسد.

در زبان عربی، موضوع هنجارگریزی رسم الخط را معمولاً در کتاب‌ها یا مقالاتی با عنوان تیسیر الكتابة العربیة یا تیسیر الاملاء می‌توان یافت، و در این زمینه پژوهش‌های متعددی به چاپ رسیده است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: حجازی (۱۹۸۲) در اثر خود "تیسیر الكتابة العربیة"، به گرایش‌های مختلف در خصوص آسان‌سازی رسم الخط عربی و تلاش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته اشاره می‌کند، که از آن جمله، تبدیل حرکات به برخی حروف جدید است تا بدین وسیله نوشتار با گفتار انطباق یابد. وی، در انتهای این مقاله، فهرستی از تلاش‌هایی را که در این خصوص صورت گرفته ارائه می‌دهد. در برخی از این اقدامات صراحتاً به تبدیل حرکات به برخی حروف جدید اشاره شده است. هدف از این پیشنهادها، انطباق نوشتار با گفتار است. مجمع اللغة العربیة در قاهره (۱۹۵۵)، در گزارشی تحت عنوان "مشروع تیسیر الاملاء" نظراتی را برای انطباق بیشتر نوشتار و گفتار مطرح کرده‌اند، در این گزارش بیان شده که رسم الخط تصویرگر اصوات است و هر چه قدر این تصویر ساده و صادق باشد کتابت و املا راحت‌تر خواهد بود، از سویی هر گونه بازنگری در رسم الخط که در جهت آسان‌سازی کتابت و یادگیری املا باشد، ضرورت دارد، سپس نویسندگان به بیان قواعد املا از جمله قواعد کتابت همزه می‌پردازند.

از آنچه گذشت می‌توان دریافت، تاکنون پژوهشی مستقل که به صورت تطبیقی هنجارگریزی‌های عربی و فارسی را مورد مطالعه قرار داده باشد، نگاشته نشده است. به ویژه از دست‌آوردهای جدید این نوشتار بررسی علت افزایش ناخوانا در خط فارسی و عربی و کاهش حروف خوانا در کتابت این دو خط است.

بحث و بررسی

۱- هنجارگریزی‌های خطی مشترک میان فارسی و عربی

هنجارگریزی‌های خطی مشترک میان فارسی و عربی به چهار دسته مختلف تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از:

۱-۱- افزایش حروف ناخوانا در رسم الخط فارسی و عربی

با مطالعه رسم الخط فارسی و عربی به حروفی برخورد می‌شود که در کتابت واژه وجود دارد اما تلفظ نمی‌شود. مثلاً "واو" در رسم الخط (عَمرو) افزوده شده اما خوانده نمی‌شود، در

فارسی نیز "واو" در واژه‌ای همچون (غمخوار) نوشته شده و تلفظ نمی‌گردد، یعنی بدون حرکت است. برخلاف تصور برخی که اینگونه تحولات را بدون علت می‌دانند، باید دانست پدیده‌های خطی دارای علت‌های زبانی و تاریخی و بستری مناسب برای شناخت تحولات زبان است. در ادامه به مهم‌ترین این دلایل اشاره می‌شود:

الف. تأثیرپذیری از شیوه‌های کتابت قدیمی: گاهی دانشمندان رسم‌الخط واژه را به همان شکلی که در رسم‌الخط‌های قدیمی نوشته می‌شد، می‌نویسند تا شکل قدیمی واژه را حفظ کرده باشند. مثلاً در خط نبطی به آخر اسم‌های علم، (واوی) می‌افزودند که خوانده و نوشته می‌شد. مانند: (نبطو)، (منوتو)، (غوئو)، (عمرو). هنگامی که این واژگان وارد عربی شدند، خط نویسان، کتابت آن را حفظ کردند تا نمایانگر ریشه نبطی آنها باشد، بنابراین علمای رسم‌الخط عربی هنوز هم (عمرو) را با (واو) می‌نویسند با این تفاوت که دیگر واو تلفظ نمی‌شود (الحمد، ۱۹۸۲م: ۳۴۱).

در فارسی نیز واژگانی یافت می‌شوند که رسم‌الخط آنها ویژگی‌های تاریخی‌شان را نشان می‌دهد. مثلاً (خَو) در خط پهلوی به صورت (خ) ضمّه دار و (واو) فتحه دار تلفظ و نوشته می‌شد، و نیز واژگانی مانند (خورش)، (خواهر)، (خورشید) از این دسته‌اند که (واو) آنها در خط پهلوی تلفظ می‌شد اما به مرور زمان بدون تلفظ در کتابت باقی ماند، گویا هم اکنون برخی قومیت‌ها هنوز با همان لهجه قدیمی این واژگان را می‌خوانند (دارائی، ۱۳۵۰: ۲۷۰).

پهلوی	خُورِشَن	خُورِشِیت	خُوفَتَن
فارسی	خورش	خورشید	خفتن

ب. اصل تمیز بین صورت‌های مشابه: گاهی دانشمندان رسم‌الخط هنگام نوشتن واژه، حروفی ناخوانا را به کتابت آن افزوده‌اند تا میان آن واژه و صورت مشابه فرقی وجود داشته باشد و بدین صورت، واژگان مشابه از نظر تلفظ قابل تمیز باشند (الحمد، ۱۹۸۲م: ۸۱). مثلاً در عربی، الفی به صیغه فعلی جمع مذكر سالم می‌افزایند تا این صیغه فعلی را از مفرد مذكر آن جدا کنند مانند: یبلوا (السیوطی، ۱۴۰۵م: ۲۳۸). همین اصل در رسم‌الخط فارسی هم وجود دارد، مثلاً (واو) را در «خویش» به معنای «قوم و آشنا» حذف نکرده‌اند تا میان آن و «خیش» به معنای «گاواهن»، فرق قائل شده باشند. همین حالت در واژگانی مانند «خوان» به معنای سفره و «خان» به معنای رئیس قبیله، «خواست» به معنای ثروت و «خاسته» به معنای ایستاده و «خوار»

به معنای حقیر و «خار» به معنای خارو خاشاک، نیز وجود دارد (دارائی، ۱۳۵۰: ۲۷۱). شاید بتوان افزایش (الف) در ابتدای واژه (ایزد) و (ایران) را به دلیل اصل تمیز میان صامت (ی) و مصوت (ای) دانست؛ زیرا در ابتدای واژگانی مانند (یزد)، (یزدان) و (یگانه)، تلفظ با صامت (ی) است، حال آنکه افزایش الف بر (ای) در واژگانی همچون (ایزد) نشان می‌دهد، تلفظ این نشانه، به صورت مصوت است.

ج. حفظ ساختار ظاهری واژه: با افزایش برخی حروف ناخوانا در ساختار واژه، می‌توان از آشفتگی و عدم تشخیص ظاهری آن جلوگیری کرد. سیبویه معتقد است وضع واژه بر یک یا دو حرف و به طور کلی قَلت تعداد حروف یک ساختار می‌تواند باعث ایجاد اختلال در شناخت واژه شود (السیرافی، ۲۰۰۸م، ج ۵: ۳۴). بنابراین علمای رسم‌الخط حرفی در ساختار واژه افزوده‌اند تا شکل آن حفظ و مورد قبول واقع شود. مثلاً نوشتن ضمیر متکلم (أنا) _ که به صورت (أَنْ) تلفظ می‌شود _ بدون (الف) ممکن است سبب گردد ضمیر متکلم با حرف اشتباه گرفته شود، از این‌رو الفی را که متناسب با حرکت فتحه در آخر واژه است در ساختار آن افزوده‌اند، تا از اختلال در صورت واژه جلوگیری شود. ضمایری مانند (تو)، و واژگانی مانند (دو) نیز دچار افزایش (واو) در کتابت شده‌اند، که شاید هدف علمای رسم‌الخط از این افزایش جلوگیری از اختلال صورت واژه است، چرا که با حذف واو در (تو) واژه تبدیل به (ت) شده و اصل آن برای زبان آموز مختل می‌ماند (دارائی، ۱۳۵۰: ۴۶).

د. تأثیرات صوتی: گاهی هدف از افزایش برخی حروف ناخوانا در رسم‌الخط واژگان، بیان حرکت کوتاه حرف ماقبل است، مثلاً در زبان عربی، واژگانی وجود دارند که آخر آنها به حرکت کوتاهی ختم می‌شوند که این حرکت حتی در حالت وقف نیز تبدیل به ساکن نمی‌شود، از این‌رو گوینده، هنگام تلفظ این واژگان، حرکت کوتاه را آنقدر می‌کشد تا هائی تولید شود که نشان دهنده حرکت باشد، این هاء را اصطلاحاً «هاء سکت» می‌نامند (ابن یعیش، د.ت، ج ۲: ۲). هاء سکت به آخر اسم و فعل متصل شده و چون مخرج آن آخر حلق است برای بیان حرکت کوتاه ما قبل، انتخاب شده است (الأرکاتی، ۱۳۳۲: ۶۷). البته این پدیده صوتی مخصوص رسم‌الخط قرآن است و هنگام وصل نوشته شده و خوانده نمی‌شود. ﴿إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَّةٍ﴾ (الحاقه ۶۹: ۲۰) و ﴿لَمْ يَتَسَنَّهْ﴾ (البقرة ۲: ۲۵۹). پس از آن که ایرانیان اسلام را به عنوان دین و رسم‌الخط قرآن را به عنوان رسم‌الخط خود انتخاب کردند، هاء سکت از خط قرآن وارد

رسم‌الخط فارسی شد، مثلاً در رسم‌الخط فارسی واژگانی مانند (هم)، (ب)، (بُن)، هنگام کتابت، هائی به آخرشان افزوده شده که تلفظ نمی‌شود (همه)، (به)، (بنه).
 رسم‌الخط این‌گونه واژگان را می‌توان متأثر از رسم‌الخط قرآن در هاء سکت دانست، که علت آن را به بیان حرکت کوتاه ماقبل، یعنی کسره باز می‌گردد. البته می‌توان افزایش هاء را بر اساس اصل تمیز، باعث فرق گذاری میان واژگانی با صورت مشابه دانست، مثلاً هاء در واژه «خانه» اضافه شده تا بتوان آن را از مشابه خود «خان» متمایز ساخت، و نیز «دسته» که هاء در آن برای تمایز از «دست» افزوده شده (مهنی، ۱۳۸۹: ۸). آنچه نظر این پژوهش درباره تأثیر خط فارسی در هاء سکت از رسم‌الخط قرآن را برای خواننده تقویت می‌کند، وجود برخی واژگان است که رسم‌الخط کنونی آنها با نحوه کتابتشان در خط پهلوی متفاوت است. مثلاً «فرشته» و «بنده» در زبان پهلوی «بندک» و «فریستک» بوده که کاف تصغیر آنها به مرور زمان حذف شده و تبدیل به «بند» و «فرشت» گشته، و پس از انتقال خط پهلوی به خط عربی هائی را برای بیان حرکت آخر آنها افزوده‌اند که همان هاء سکت در رسم‌الخط قرآن است (دارائی، ۱۳۵۰: ۴۶). حرف نفی «نه» در فارسی نیز همین تغییرات را پذیرفته است، اصل «نه»، «نی»، بوده که پس از حذف یاء، تبدیل به «ن» و «ن» شده و به مرور زمان هائی به آن اضافه شده «نه» (همان، ۲۱۰).

۲-۱- حذف حروف خوانا از رسم‌الخط فارسی و عربی

از هنجارگریزی‌های رسم‌الخطی مشترک میان فارسی و عربی حذف حروف خوانا از کتابت برخی واژگان است. می‌توان علت این قاعده را حفظ زیبایی رسم‌الخط دانست. دانشمندان رسم‌الخط هنگام نوشتن برخی واژگان، حروفی را که تلفظ می‌شود در کتابت، حذف می‌کنند. مثلاً در عربی «الف» در کتابت واژگانی مانند «هکذا»، «هذا»، «هؤلاء»، «اولئک»، حذف شده حال آنکه اصل واژگان این‌گونه است: «هاکذا» و «هاذا» و «هاؤلاء» و «اولئک». در رسم‌الخط فارسی نیز هجای میانجی یاء در پایان واژگان مختوم به حرف مدّ یاء، هنگام اضافه شدن، حذف می‌شود. مانند: «کشتی بزرگ» و «ماهی دریا»، که اصل آنها «کشتی بزرگ» و «ماهی دریا» است. هم‌چنین واو در پایان واژگانی که مصوت مرکب «ow» دارند هنگام اضافه شدن، حذف می‌شود مانند: «خسرو خوبان» که اصل آن «خسروو خوبان» است (واحد دوست، ۱۳۶۸: ۱۱۳).

از جمله قواعد رسم الخط این است که دو صورت مشابه در خط با یکدیگر جمع نشوند. مثلاً اگر «الف» در «هاکذا» یا «باء» در «ماهیی بزرگ» نوشته شود، نه تنها باعث اطناب در نگارش است بلکه از زیبایی خط نیز می‌کاهد. به علاوه وجود حروف مدّ پیوسته تلفظ را برای اهل زبان دشوار می‌کند. شاید بتوان حذف الف در «الهه» در رسم الخط عربی و فارسی را تابع این قاعده دانست. زیرا جمع شدن دو الف هم شکل در رسم الخط مورد پسند نیست «الاهه». بخش عمده شیوه رسم الخط مصوب فارسی که بر «جدانویسی» تکیه دارد و در تقابل پیوسته نویسی واژه‌های مرکب یا مشتق، به جدانویسی سفارش نموده است از این قاعده پیروی می‌کند. مثلاً جوان‌تر، کتاب‌ها، فرهنگ‌نامه، کمال‌جو، بر شیوه دیگر املاي این واژه‌ها یعنی جواتر، کتاب‌ها، فرهنگ‌نامه، کمال‌جو اولویت دارند. دلالت هم‌زمان یک نشانه به دو آوا نیز از نظم‌گریزی‌های مشترک خط فارسی و عربی به شمار می‌رود، که گویا علت آن حفظ زیبایی خط است، واژگانی مانند «زیاد» و «نیاز» در فارسی و «خیار» به معنای «گزینه» در عربی از این اصل تبعیت می‌کنند.

۱-۳- کاربرد صامت‌های مشدد بدون استفاده از تشدید

در خط فارسی و عربی به صوت کاربردی علامت تشدید کمتر به کار گرفته می‌شود که منجر به غلط خوانی به ویژه در واژگان مشابه از نظر ظاهر می‌گردد. مثلاً در جمله «إذا كان الناس يتكلمون فليس جميعهم يقولون ما هو مؤثر»، «هنگامی که مردم سخن می‌گویند همه سخنانشان تأثیر گذار نیست». واژه (مؤثر) باید تشدید داشته باشد تا از واژه‌ای مثل (مُؤثر) به معنای بهتر و برگزیده متمایز شود. در فارسی نیز واژگانی مانند «سرّ»، «محرّم»، «مقدّم» اگر بدون تشدید به کار روند خواننده را به اشتباه می‌اندازند.

۱-۴- عدم انعکاس مصوت‌های کوتاه در خط

عدم نمایش مصوت‌های کوتاه (ـَ، ـِ، ـُ) در کتابت به خصوص برای مبتدی مشکلاتی را در فهم متن به وجود می‌آورد، این دشواری در زبان عربی که حرکت نقش مهمی در فهم متن دارد، بیشتر نمایان می‌شود، چرا که بسیاری مصادر، صفت‌ها، فعل معلوم و مجهول از طریق حرکت مشخص می‌شوند، مانند «حَمَل، حُمِل، حُمِلَ، حَمَلٌ» که هر یک از نظر معنا و ساختار با دیگری متفاوت است، در فارسی نیز واژگانی مانند «سحر، مهر، اعمال، خرد» چنین وضعیتی دارند.

مصوت‌های ـ ، ـ ، ـ معمولاً در خط منعکس نمی‌شود و به همین سبب بسیاری از واژگان با املای مشابه، تلفظ و معنای متفاوت دارند: مانند برد: بُرد، بُرد، بُرد. در بیشتر موارد، از سیاق عبارت یا معنای جمله باید تلفظ مورد نظر را حدس زد: الف. برد (بُرد) این تفنگ هزار متر است. ب. این کار خوب نمی‌برد. (نمی‌بُرد) در فصل ربیع که صولت برد (بُرد) آرمیده بود، ایام دولت ورد رسیده (فرهنگستان زبان فارسی، ۱۳۷۸: ۱۲). در عربی نیز از سیاق جمله می‌توان صورت‌های مشابه را تشخیص داد، مثلاً در جمله "حَمَلَ هذا الشيء صعبٌ عليّ"، واژه "حمل" مصدر است و با توجه به اضافه شدن آن به "هذا الشيء" و خبر واقع شدن "صعب" این نکته به دست می‌آید. اما در جمله "حَمَلَ هذا الشيءَ ليوصله إلى القرية"، واژه "حمل" فعل است و از سیاق جمله این موضوع حاصل می‌شود.

۲- هنجارگریزی‌های مخصوص به خط فارسی

برخی هنجارگریزی‌ها مخصوص خط فارسی است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۲-۱- ساختارهای نگارشی متفاوت در واژگان دخیل عربی

هر زبانی به ناچار واژگانی از زبان‌های دیگر وام می‌گیرد، اما نحوه نوشتن آن واژگان، همیشه یکسان نیست، اگر علائم خط در این دو زبان یکی باشد، واژه خارجی به همان املای اصلی در نوشتن به کار می‌رود که اغلب با املای واژه مشابه در زبان فارسی ثانوی تفاوت دارد و از اینجا برای اصوات واحد، علائم خطی متعدد پدید می‌آید. در خط فارسی همه این موارد را می‌توان یافت. وقتی خط عربی برای نوشتن فارسی نیز به کار رفت، برخی واژگانی که از آن اخذ شده بود، به همان صورت اصلی نوشته شد، حال آنکه به یقین در هیچ دوره‌ای، فارسی زبانان، حروف خاص عربی را درست مانند اصل تلفظ نکرده‌اند (ناتل خانلری، ۱۳۷۲: ۲۵۳). بنابراین گاهی در املای واژگان و ترکیبات و عبارات عربی که عیناً وارد زبان فارسی شده است، قواعد املای عربی رعایت می‌شود: مانند: موسی، بالقوه، خلق الساعه، حتی، إلی (فرهنگستان زبان فارسی، ۱۳۷۸: ۱۴).

اما گاهی واژگان عربی هنگام ورود به زبان فارسی صورت نگارشی خود را از دست داده و به شیوه‌ای متفاوت نوشته می‌شوند تا چهره خط فارسی به کلی تغییر نکند؛ همانگونه که در مصوبات فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی آمده است «از آنجا که خط در تأمین و حفظ پیوستگی

فرهنگی نقش اساسی دارد، نباید شیوه‌ای برگزید که چهره‌ی خط فارسی به صورتی تغییر کند که مشابهت خود را با آنچه در ذخایر فرهنگی زبان فارسی به جا مانده است به کلی از دست بدهد و در نتیجه متون کهن برای نسل کنونی نامأنوس گردد و نسل‌های بعد در استفاده از متون خطی و چاپی قدیم دچار مشکل جدی شوند و به آموزش جداگانه محتاج باشند... خط فارسی نباید تابع خطوط دیگر باشد و لزوماً و همواره از خط عربی تبعیت کند، از این رو واژگان دخیل از عربی به زبان فارسی ممکن است صورت نوشتاری خود را از دست دهند که این قضیه زمانی برای اهل زبان دشوار می‌شود که واژگان دخیل به شیوه‌های مختلف نوشته شوند و از روش یکپارچه واحدی تبعیت نکنند. مثلاً "الف" مقصوره در پایان واژگان عربی طبق مصوبات فرهنگستان زبان فارسی، باید به صورت الف کشیده نوشته شود، تا به یکپارچگی رسم الخط واژگان کمک کند به جز واژگانی مانند «إلی»، «حتی»، «علی»، «اولی» و «اولی». از سویی، کلمه‌هایی مانند: "تولا"، "تمنا"، "تقاضا"، "تسلا" و "مبرا"، نیز با (الف) کشیده نوشته می‌شود هر چند الف آنها مقصوره نیست (الف در این گونه واژگان یاء منقوص بوده است: تولی). اینگونه هنجارگریزی‌ها که در رسم الخط واژگان عربی دخیل اتفاق می‌افتد می‌تواند آموزش املاء را برای زبان آموز دشوار کند. البته «الف» از صورت‌های آوایی بحث برانگیز است، که در عربی به صورت مقصوره و ممدوده نوشته می‌شود (ای) و صورت مد آن که در فارسی یافت می‌شود وجود ندارد، آن مدی هم که در ابتدای برخی واژگان عربی مانند (آمن) می‌بینیم در واقع تغییر یافته دو همزه است (أمن) بنابراین در عربی حرف مد الف نداریم.

در عربی، اگر حرف پیش از الف مفتوح یا ساکن و پس از آن حرف "آ" باشد، به صورت — آ — نوشته می‌شود: مآخذ، لآلی، قرآن، مرآت (فرهنگستان زبان فارسی، ۱۳۷۸: ۲۰).

این در حالی است که در فارسی برای الف دو صورت (آ، ا) وجود دارد، «الف» در ابتدای واژگان فارسی به صورت (آ) نوشته می‌شود که می‌توان آن را از ابتکارات خط فارسی دانست. همزه نیز از صورت‌های نوشتاری است که گاهی آموزش املاء را برای زبان آموز دشوار می‌کند، با این که قواعد کتابت همزه که از عربی وارد فارسی شده است، تعریف مشخصی دارد؛ ولی همزه در آغاز واژه‌های فارسی بر خلاف عربی نوشته نمی‌شود که شاید تلفظ را برای اهل زبان دشوار کند. مانند واژه (اعمال) که می‌تواند معادل (إعمال) به معنای مصدري یا

(أعمال) به معنای جمع مکسر باشد اما در فارسی حرکت همزه در آغاز واژگان نگاشته نمی‌شود بر خلاف عربی که لزوماً همزه قطع باید نگاشته و تلفظ شود.

۲-۲- کاربرد چند نشانه خطی برای اشاره به یک صدا یا ترکیب صدایی

این پدیده خطی مخصوص فارسی است و در عربی وجود ندارد، «در خط فارسی موارد متعددی وجود دارد که برای اشاره به یک صدا، بدون توجیه آوایی، از چند نشانه الفبایی استفاده شده است، به این ترتیب یادگیری املائی زبان فارسی دشوار می‌شود و طبیعتاً بدون آشنایی قبلی با نحوه نگارش صحیح واژه و تنها با تکیه بر شکل صوتی آن، احتمال بروز اشتباه در نوشتن متغی نیست» (افتخاری، ۱۳۸۴: ۴۲). مانند آوای (S) که در برابر آن نشانه‌های خطی (س، ث، ص) وجود دارد. این نظم‌گریزی در خط عربی مشاهده نمی‌شود چرا که هر حرفی مخرج آوایی مشخصی دارد، مثلاً (ث) از برخورد نوک زبان با نوک دندان نیش بالا، و (س) و (ص) از برخورد نوک زبان به میانه دندان‌های نیش بالا حاصل شده است.

نتیجه‌گیری

خط در هر زبان انعکاس‌دهنده ویژگی‌ها و مشخصه‌های آن زبان است، از این رو، با کمک رسم‌الخط می‌توان تحولاتی را که زبان در طول دوران تاریخ دچار آن شده است دریافت. از آن جایی که ایرانیان پس از ورود به اسلام خط عربی را برای نگارش برگزیدند، اشتراکات رسم‌الخطی فراوانی میان فارسی و عربی می‌توان یافت که از جمله آن‌ها نظم‌گریزی‌های خطی است که بخشی از آن‌ها میان خط فارسی و عربی مشترک و گروهی مخصوص خط فارسی است. هنجارگریزی‌های مشترک گاهی مستقل و گاهی متأثر از خط عربی در فارسی شکل گرفته است. مانند افزایش حروف ناخوانا و نیز حذف حروف خوانا در رسم‌الخط، کاربرد صامت‌های مشدد بدون استفاده از تشدید و عدم انعکاس مصوت‌های کوتاه.

بسیاری از زبان‌پژوهان افزایش حروف ناخوانا را بی اساس و تصادفی دانسته‌اند، اما می‌توان دلایل آن را در مواردی همچون: تأثیرپذیری از شیوه کتابت‌های قدیمی، اصل تمیز بین صورت‌های مشابه، حفظ ساختار ظاهری واژه و تأثیرات صوتی، دانست. افزون بر این، توجه دانشمندان رسم‌الخط به زیبا بودن خط را می‌توان علت حذف حروف خوانا در رسم‌الخط ذکر کرد. از

هنجارگریزی‌های مخصوص خط فارسی می‌توان به صورت‌های نگارشی متفاوت در واژگان دخیل عربی و کاربرد چند نشانه خطی برای یک صدا یا ترکیب صدایی، اشاره کرد. از موضوعات پیشنهادی در این زمینه، که می‌توان در پژوهش‌های آینده، آن را مورد مطالعه قرار داد، بررسی هنجارگزی‌های رسم‌الخطی در فضاهای مجازی مانند فیس بوک و تلگرام و غیره است، که پژوهشگر در پی پاسخ به این سوال خواهد بود: رسم‌الخط فارسی و عربی در فضاهای مجازی تا چه حد دچار هنجار گریزی شده‌اند؟

منابع

کتاب‌ها

عربی

القرآن الکریم

- ابن یعیش، موفق الدین، (د.ت)، شرح المفصل، مجلدان، طهران: ناصر خسرو.
- الأرکاتی، محمد غوث بن ناصر، (۱۳۳۲)، نثر المرجان فی نظم رسم القرآن، مجلس إشاعة العلوم.
- الحمد، غانم قدوری، (۱۹۸۲)، رسم المصحف، الطبعة الأولى، بغداد: اللجنة الوطنية.
- السیرائی، أبوسعید، (۲۰۰۸)، شرح کتاب سیبویه، التحقيق: أحمد حسن مهدي، الطبعة الأولى، ج ۵، بیروت: دارالکتب العلمية.
- السیوطی، جلال الدین عبد الرحمن، (۱۴۰۵)، همع الهوامع فی شرح جمع الجوامع الرضی. منشورات الرضی و زاهدی: قم.
- ضیف، شوقي، (۱۹۹۶)، تاریخ الأدب العربی، ط ۷. ج ۱. القاهرة: دار المعارف.

فارسی

- ابوالقاسمی، محسن، (۱۳۷۳)، تاریخ زبان فارسی، تهران: سمت.
- برون، ادوارد، (۱۳۳۳)، تاریخ ادبی ایران، مترجم: علی پاشا صالح. تهران: بانک ملی ایران.
- دارائی، بهین، (۱۳۵۰)، اشتقاق و املاء در فارسی، تهران: مدرسه عالی دختران.
- فرهنگستان زبان و ادب فارسی، (۱۳۸۹)، دستور خط فارسی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- مجاهد، محمد حسن، (۱۳۷۰)، نکاتی پیرامون نگارش فارسی، تهران: انتشارات صفی علیشاه.
- ناتل خانلری، پرویز، (۱۳۷۳)، زبان شناسی و زبان فارسی، چاپ ششم، تهران: انتشارات توس.
- واحد دوست، مهوش، (۱۳۶۸)، شیوه نگارش فارسی، ارومیه: جهاد دانشگاهی.

مجلات

- افتخاری، سید اسماعیل، (۱۳۸۴)، «در آمدی بر خط شناسی و نظم گریزی نوشتار فارسی»، مجله دانشکده علوم انسانی (۵۸)، ۶۲-۳۳.
- پورنوروز، مسعود، حسینی، عارف، (۱۳۹۷)، «وضعیت خط فارسی و تغییرات احتمالی آن؛ با توجه به فضاسازی ذهنی»، مجله رخسار زبان (۶ و ۷)، ۱۲۱-۱۰۵.
- حجازی، محمود فهمی، (۱۹۸۲م)، «تیسیر الكتابة العربیة»، مجلة کلیه الانسانیات والعلوم الاجتماعیه، صص ۱۲۷ - ۱۵۲، الرقم ۵، جامعة قطر.
- مجمع اللغة العربیه بالقاهرة (۱۹۵۵)، «مشروع تیسیر الاملاء»، مجلة مجمع اللغة العربیه بالقاهرة، ج ۸، ۱۰۹-۹۵.

الأسباب الجذرية للعدولات في رسمى الخط الفارسى والعربى

نوع المقالة: أصيلة

اعظم دهقانى نيسىانى*، خديجة شاه محمدى، سيد حسين مرعى

١. دكتوراه فى اللغة العربىة وآدابها بجامعة الزهراء
٢. ماجستير فى اللغة العربىة وآدابها بجامعة الشهيد بمشتى
٣. أستاذ مساعد فى قسم اللغة العربىة وآدابها بجامعة شيراز

الملخص

يُعتبر رسم الخط قسماً من هوية اللغة و تأريخها الثقافى و يبين التطورات التى تعرضت لها اللغة طوال الزمن. إن القاعدة فى رسم الخط أن تكتب الكلمة كما تنطق إلا أنه قد تحدث العدولات فيه حيث لا تكون المطابقة بين المنطوق والمكتوب. فيعتبر بعض الباحثين، ظاهرة العدول فى رسم الخط عفوية ومن غير سبب منطقي ونتيجة عن اعتباطية النظام اللغوي والآخر يعتبر هذه الظاهرة فى رسم الخط الفارسى بتأثر من الخط العربى. فمن ثمّ ظهور هذه الآراء فى عدولات رسم الخط والكشف عن آفاقها يزيد فى أهمية هذا البحث. فعالجت هذه المقالة أهم العدولات المشتركة بين رسمى الخط الفارسى والعربى والخاصة بالخط الفارسى بالاعتماد على المنهجين التوصيفى والتحليلى وقد توصلت إلى أن أهم الأسباب فى العدولات فى رسم الخط هو التأثير من الكتابات القديمة، التمييز بين الصور المتشابهة، الالتزام على الشكل الظاهري للكلمة، والظواهر الصوتية فضلاً عن حفظ جمال الخط.

الكلمات الرئيسية: رسم الخط الفارسى، رسم الخط العربى، التحليل التطبيقي، العدولات المشتركة والخاصة فى رسم الخط.

An Analytic Study of Abnormalities of Persian and Arabic Calligraphy

Article Type: Research

Azam Dehghani Nisyan^{*1}, Khadijeh Shah Mohammadi², Seyyed Hosein Marashi³

1- Ph. D Arabic Language and Literature, Azzahra University

2- MA Arabic Language and Literature, Shahid Beheshti University

3- Assistant Professor of Arabic Language and Literature Departmen, shiraz University

Abstract

The calligraphy of any language is part of its identity and cultural history and represents changes of the language over time. The rule in calligraphy is that the word should be written as it is pronounced, although sometimes there are deviations from the norm in calligraphy. Some Persian and Arabic linguists have considered the aberrations of calligraphy of these two languages as incomprehensible and accidental and consider it as a result of the unsystematic rules of calligraphy. And some of them also believe that the irregularities of the Persian script have been completely influenced by the Arabic script. Therefore, it is very important to study this issue. This article studies the anomalies of common calligraphy between Persian and Arabic, as well as Persian-specific anomalies by adopting a descriptive-analytical method. The reasons such as the influence of old writing methods, the principle of distinguishing between similar forms, preserving the apparent structure of the word and sound effects, and the beauty of the line have been influential in this issue.

Key Words: Persian calligraphy, Arabic calligraphy, comparative analysis, common and special calligraphy anomalies

* Corresponding Author:

dehghania14@gmail.com

